

پیامدهای شبکه‌های اجتماعی مجازی (مطالعه موردی هویت ملی و هویت قومی کردها)

عباس شفیعی نیا^۱

چکیده

گسترش فزاینده فناوریهای اطلاعاتی و ارتباطی در سالهای اخیر، حیات بشری را در ابعاد مختلفی تحت تاثیر قرار داده است. یکی از حوزه‌های مهم زمینه فرهنگی و بحث هویت ملی و قومی است. از این منظر، گسترش فزاینده فناوریهای اطلاعات و ارتباطات و شکل‌گیری «جامعه شبکه‌ای» منجر به تحول و دگرگونی هویت‌خواهی چه در بعد ملی و چه در بعد قومی در اغلب جوامع معاصر شده است که بارزترین مثال آن رشد خاص گرایی‌های قومی در جوامع چندقومی و یا رشد هویت‌خواهی‌های فراملی است. این نوع از خاص گرایی قومی که گاه خود را در اشکال ناسیونالیسم قومی و یا ملی گرایی بازتولید می‌نماید، تحت تاثیر فن آوری‌های نوین جهانی شده در پی مطرح کردن هر چه بیشتر خود برای رسیدن به خواسته‌های سرکوب شده خود در دوران مدرنیته است. منازعات و کشمکش‌های قومی در کشورهای لیبرالی مثل فرانسه، کانادا و اسپانیا، و کشورهای کمونیستی مثل چین و برمه، مناقشات قومی در کشورهای سوسیالیستی سابق مثل یوگسلاوی و اتحاد جماهیر شوروی سابق، سابقه منازعات قومی در کشورهای اسلامی مثل پاکستان و یمن، نشان می‌دهد که درگیری‌های قومی یک مشکل اپیدمیک بوده که تمام قاره‌های گیتی از امریکای شمالی تا اروپا و آسیا و اقیانوسیه را در بر گرفته است. از این منظر، هدف مطالعه حاضر تحلیل پیامدهای شبکه‌های مجازی و گونه‌شناسی هویت‌خواهی کردهای ساکن ایران است.

بررسی نظری این موضوع نشان می‌دهد که دیدگاه‌های نظری متفاوتی در رابطه با فضای مجازی و هویت‌خواهی قابل دسته‌بندی است: نخست دست‌های که عقیده دارند همراه با ورود تکنولوژی، از جمله تکنولوژی ارتباطی، هویت‌خواهی سنتی محو شده و هویت‌خواهی نوین جایگزین میشوند و این فرایند در کل جهان به صورت واحد و همسان رخ می‌دهد که پیامد آن رشد هویت‌های فراملی و جهانی خواهد بود. گروه دوم بر ماندگاری کامل هویت‌های ملی و قومی در جوامع مختلف و حتی تشدید آنها و مقاومت در برابر تغییرات تأکید دارند. گروه سوم، برآنند که در اثر تحولات فزاینده در عرصه جهانی‌شدن و تکنولوژی‌های ارتباطی شاهد امتزاج و ترکیبی شدن هویت‌خواهی‌های در سطح فراملی، ملی و قومی - محلی خواهیم بود.

^۱ دانش‌آموخته دکتری جامعه‌شناسی سیاسی دانشگاه تهران

روش انجام مطالعه، توصیفی-تحلیلی و با استفاده از شیوه مطالعه اسنادی و کتابخانه‌ای است. اگرچه در این زمینه پیشینه تجربی در رابطه با موضوع به ویژه در مورد کردها مبنای اصلی تحلیل و مطالعه خواهد بود.

تحلیل موضوع فوق در جامعه کردستان ایران نشان از آن دارد که در سال‌های اخیر کردها از شبکه‌های مجازی به عنوان ابزاری برای رشد خاص‌گرایی هویتی بهره‌برده‌اند و از این منظر، رشد شبکه‌های مجازی در این مناطق به نظر به تضعیف هویت ملی و رشد هویت‌خواهی قومی منجر می‌شود.

واژگان کلیدی: فضای مجازی، هویت ملی، هویت قومی.

درآمد و طرح مساله

امروزه کمتر کسی در این گزاره شک می‌کند که جهان وارد عصر تازه‌ای شده است که نماد آن اهمیت یافتن اطلاعات است. بسیاری از دانشمندان و صاحب‌نظران علوم اجتماعی بر این باورند که ترکیب و همگرایی فن‌آوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی و تجدید ساختار نظام سرمایه داری در دهه‌های اخیر ما را وارد عصر و جامعه تازه‌ای کرده است که دانیل بل آنرا جامعه فراصنعتی^۱، کاستلز جامعه شبکه‌ای^۲ و تادائو اومه سائو آنرا جامعه اطلاعاتی^۳ نامیده است (قاسمی، ۲: ۱۳۹۳). گسترش فضای اطلاعاتی و تنیده شدن تاروپود جهان به وسیله اینترنت، عملاً جهان را به دهکده‌ای تبدیل نموده و تبادل اطلاعات را در لحظه فراهم ساخته است. در نوردیده شدن زمان و مکان در فضای مجازی همچون فیسبوک و... باعث شده است تا حجم وسیعی از اطلاعات و برنامه‌های برون مرزی زمینه تقویت خاص گرایی در هویت محلی و تضعیف هویت ملی را فراهم نماید. فن‌آوری ارتباطات و وجه مشخص آن، یعنی اینترنت در زمان ما، تحولات بی سابقه را به دنبال داشته‌اند؛ تا آن جا که به وجه غالب جهان معاصر تبدیل شده است. گسترش فزاینده فن‌آوری اطلاعات و ارتباطات، که مانوئل کاستلز از آن به عنوان «جامعه شبکه‌ای» یاد می‌کند، منجر به تحول و دگرگونی در ابعاد مختلف سیاسی، امنیتی، اقتصادی و اجتماعی شده است. ویژگی‌های جامعه شبکه‌ای همچون اقتصاد اطلاعاتی، فرهنگ مجازی و کاهش اهمیت زمان و مکان در تعاملات اجتماعی ویژگی متمایزی به هزاره سوم بخشیده است که اصل بنیادین آن اهمیت محوری فرد در عرصه فعالیت‌های اجتماعی، سیاسی و اقتصادی با بهره‌گیری از ابزارهای نوین ارتباطی و اطلاعاتی است. در چنین فضایی که با عنوان فضای سایبر توصیف می‌شود، مجموعه‌هایی از ارتباطات درونی انسان‌ها از طریق کامپیوتر و مسائل مخابراتی بدون در نظر گرفتن جغرافیای فیزیکی شکل می‌گیرد. یک سیستم آن لاین نمونه‌ای از فضای سایبر است که کاربران آن می‌توانند از طریق ایمیل با یکدیگر ارتباط برقرار کنند. بر خلاف فضای واقعی، در فضای سایبر نیاز به جابجایی‌های فیزیکی نیست و کلیه‌ی اعمال تنها از طریق فشردن کلیدها یا حرکات «ماوس» صورت می‌گیرد.

فن‌آوری‌های نوین ارتباطی و اطلاعاتی موجب می‌شود تا اجتماعات و هویت‌های جدیدی تشکیل شود. در جامعه‌ای که به ارتباطات مبتنی بر صنعت چاپ، تلویزیون و تلفن متکی است، شیوه تولید به گونه‌ای است که هویتها را به صورت عاقل، سودمند و خود بسنده در می‌آورد. اما در جامعه اطلاعاتی، جامعه‌ای که ارتباطات الکترونیک سیطره دارد؛ ذهنیت‌ها و هویت‌های ناپایدار، چند لایه و پراکنده ظهور می‌کند. مارک پاستر در «عصر دوم رسانه‌ها» تاکید می‌کند در دوره جدید

¹ Post-Industrial Society

² Network Community

³ Information Society

که اینترنت و ارتباطات الکترونیک در جامعه سیطره دارد، این داده‌ها و اطلاعات و یا به عبارت دقیق کلمه، این اجتماعات مجازی هستند که هویت افراد را می‌سازند. وسایل نوین اطلاعاتی و ارتباطی در اثر تغییراتی که در برداشت‌های بشر امروزی به وجود می‌آورند، هویت‌ها را در وضعیت کاملاً تازه‌ای قرار می‌دهند که متفاوت و حتی مغایر با گذشته است. هویت در اجتماعات مجازی جامعه اطلاعاتی در مسیر فراملیتی شدن حرکت می‌کند. در واقع ارتباطی که با اتکا به وسایل ارتباطی و اطلاعاتی جدید شکل می‌گیرد، چشم اندازی از فهم و درک جدیدی از ذهنیت را آشکار می‌سازد که در صورت بندی‌های گفتار و عملکرد که به لحاظ تاریخی محسوس اند، جان می‌گیرد. این ارتباطات راهگشای نگرستن به انسان به عنوان پدیده‌ای چند لایه، تغییرپذیر، منفعل و تکه تکه است. پدیده‌ای که شکل دادن خویش را به گونه‌ای طراحی می‌کند که با هرگونه تثبیت هویت می‌ستیزد.

جامعه اطلاعاتی مبین هویت بی‌ثبات، تغییرپذیر و منعطف انسان جدید است. در این جامعه بسا انسان‌هایی که با همسایه‌ها، هم محلی‌ها و همشهری‌ها و حتی هموطنان خود احساس قرابت نداشته، اما با فرد دیگری در اقصی نقاط جهان احساس هویتی یکسان داشته باشند. بر این اساس، به نظر می‌رسد، هویت ملی در جامعه اطلاعاتی به دلیل ظهور اجتماعات مجازی به شدت تهدید می‌شود. در واقع در اجتماعات مجازی معمولاً افراد حداقل در یک چیز اشتراک دارند و آن علایق و منافع است که آنها را دور هم جمع می‌کند. این منافع که همان دسترسی به اطلاعات است، هویت آنها را می‌سازند. هویت افراد در اجتماعات مجازی «هویتی دیجیتال» است. دیگر سرزمین، زبان بومی و محلی، کشور، فرهنگ ملی و نژاد، هویت افراد را در اجتماعات مجازی تعیین نمی‌کنند، بلکه منافع مقطعی، محدود و در حوزه موضوعات مختلف افراد را دور هم جمع می‌کند و هویت آنها را می‌سازد.

هر چند امروزه فن‌آوری‌های نوین تا حدود زیادی جوامع را به سوی ادغام فرهنگی سوق می‌دهد اما همین فن‌آوری اطلاعات در برخی جوامع به ویژه در دایره قلمرو و نفوذ اقوام و اقلیت‌های مذهبی، به انکشاف و بازتعریف فرهنگ و هویت در حال زوال آنان کمک شایانی نموده است. بر این اساس، ابزارهای نوین ارتباطاتی امکاناتی در اختیار اقلیت‌ها و اقوام حاشیه‌ای در جوامع به ویژه جهان سوم قرار می‌دهد که از آن طریق درصدد بازافرینی و بازساخت هویت قومی خویش و البته انکار هویت ملی برخواهند آمد.

کشور ایران جامعه‌ای چند فرهنگی و چند قومی است که گسترش روزافزون فن‌آوری‌های ارتباطی به ویژه تکنولوژی‌های حوزه فضای مجازی می‌تواند موجبات همگرایی یا واگرایی را فراهم نماید. چنین به نظر می‌رسد که ایران به رغم داشتن اقوام مختلف و یک واحد جغرافیایی مشترک، هنوز نتوانسته پس از گذر از خیزاب‌های مخرب تاریخی به چنین تکاملی دست یابد و هنوز هویت قومی ارجحیت نامحسوسی بر هویت ملی دارد (مظفری، ۱۳۹-۱۳۸۲:۱۳۸۲). با توجه به انقلاب ارتباطات و گسترش فن‌آوری‌های نوین اطلاعاتی و ارتباطی، جامعه و فرهنگ ایران نیز در حال تجربه کردن نوعی گذار است که دارای ویژگی‌های خاص خود بوده و پیامدهای متعددی

نیز برای فرهنگ و هویت ایرانی‌ها به دنبال دارد، به گونه‌ای که جوانان در اثر ارتباط نزدیک با علایق و ظواهر جذاب رسانه‌ای، به مهاجرت به سوی غرب از یک طرف، و بی‌تفاوتی نسبتاً شدید به مسایل و علایق فرهنگی سنتی و د از طرف دیگر تمایل می‌یابند (سحابی و آقاییگ پوری، ۱۳۸۹:۱۳۶). در مورد هویت‌های قومی به ویژه هویت قومی کردهای ساکن در ایران، با توجه به حجم اطلاعات ارایه شده از مجراهای مجازی متفاوت تاکید بر هویت قومی در سالیان اخیر برجستگی خاصی پیدا کرده است.

از این منظر، رسانه‌های نوین ارتباطی در سطوح مختلف موجب رشد آگاهی‌های فرهنگی خرده گروه‌ها می‌شوند و آنها را به جوامع مجازی در دل کشورهای متبوع خود تبدیل می‌نمایند و همین مسئله موجب فشار بر حاکمیت دولت‌ها می‌شود. این پژوهش بنا به اهمیت موضوع، به بررسی تاثیر فعالیت در شبکه‌های نوین ارتباطی بر هویت‌خواهی قومی کردی به عنوان تهدید کننده همبستگی ملی در مناطق قومی می‌پردازد.

تعاریف مفاهیم نظری

فضای مجازی^۱

زمانی که صحبت از فضای مجازی به میان می‌آید مردم اغلب به کامپیوتر فکر می‌کنند و اینکه به اینترنت متصل است، در حالیکه این فقط بخش بسیار کوچکی از فضای مجازی را تشکیل می‌دهد. از نگاه دیوید بل فضای مجازی فقط مجموعه‌ای از سخت افزار نیست، بلکه مجموعه‌ای از تعاریف نمادین است که شبکه‌ای از عقاید و باورها را در قالب داد و ستد بیت^۲ رد و بدل می‌کنند. فضای مجازی در واقع نامی است که تعداد زیادی از کاربردهای امروز فن‌آوری‌های جدید ارتباطی را در بر می‌گیرد. این نام نخستین بار بوسیله ویلیام گیسون در رمان نورومانسر ابداع شد (هولمز، ۲۰۰۵). همانطور که کترین هایلز نشان می‌دهد دیدگاه گیسون خود به خود به وجود نیامده بود و دگرگونی‌های مبتنی بر فناوری انجام شده در دهه‌های ۱۸۳۰ و ۱۸۸۰ نقش زیادی در ظهور این اصطلاح داشت (نقل شده در ویتاگر، فلیشی).

دهقان (۱۳۸۴) معتقد است فضای مجازی یک شبکه گسترده جهانی است که شبکه‌های مختلف رایانه‌ای در اندازه‌های متعدد و حتی رایانه‌های شخصی را با استفاده از سخت افزارها و نرم‌افزارهای گوناگون و با قراردادهای ارتباطی به یکدیگر وصل می‌کند. فن‌آوری‌های ارتباط راه دور اساس فضای مجازی را تشکیل می‌دهند. هر چند برخی از این فن‌آوری‌ها مانند تلگراف و تلفن در اوایل قرن نوزدهم اختراع شده بودند اما همه گیر و ارزان شدن این فن‌آوری‌ها و بالارفتن

^۱ Cyberspace

^۲ تعریف بیت: به کوچکترین واحد حافظه غیر قابل آدرس دهی که می‌تواند ۰ یا ۱ را در خود ذخیره کند بیت گفته می‌شود. در حقیقت بیت یک واحد است که با خاموش یا روشن شدن یک کلید به وجود می‌آید. در نتیجه هر گاه کلید روشن بود بیت محتوی یک است و هرگاه خاموش بود محتوی صفر خواهد بود و یا بالعکس که به ساختار کامپیوتر بستگی دارد.

توان فنی آنها که شرط اصلی ظهور فضای مجازی است در چند سال اخیر اتفاق افتاده است. ویتاکر در توضیح این مسئله به رویداد تاجگذاری ملکه انگلستان اشاره می‌کند که حدود بیست میلیون نفر آن را از تلویزیون تماشا کردند. در حالی که تعداد تلویزیونها در انگلستان تا قبل از چند ماه مانده به مراسم ۲۰۰ هزار دستگاه برآورد می‌شد، در این چند ماه تقریباً همین تعداد تلویزیون در انگلستان خریداری شد. رواج فن‌آوری‌های ارتباطی در سالهای بعد رفته رفته به شکل گیری و ظهور فضای مجازی منجر شد. کلمه فضای مجازی (سایبر اسپیس) از درون کلمه سایبرنتیکس که در سال ۱۹۴۸ بوسیله نوربرت وینر ابداع شده بود پدید آمد. سایبرنتیکس علم نظریه کنترل است و در مورد سیستم‌های پیچیده به کار می‌رود. کلیه سیستمهایی که با روشهای خودفرمایی اداره می‌شوند در واقع سیستم‌های سایبرنتیکی هستند.

هویت در فضای مجازی

آیا فضای مجازی در این قرن که قرن انفجار اطلاعات نامیده می‌شود، شرایطی را فراهم آورده است هویت‌های ملی و قومی در فضایی تعامل گونه همچون شبکه جهانی اینترنت، دچار چالش جدی شده و به مرور، این هویت‌ها در مقابل موج عظیم ادغام فرهنگ غرب، کمرنگ و بی فروغ گردند؟ در پاسخ به این سوال دو دیدگاه متفاوت وجود دارد. از دیدگاه گروهی ارتباطات فزاینده و گسترش وسیع و ارزان فیبر نوری و رسوخ اینترنت در کنج خانه‌ها مردم، به مرور هویت‌های ملی و محلی تضعیف شده و گرایش به هویت جدیدی ظهور می‌کند که انگاره‌های یکدستی، محوریت آن را تشکیل می‌دهد (دوران، ۱۳۸۲: ۷۳).

دیدگاهی دیگر معتقد است که اگر گسترش اطلاعات و توسعه فضای سایبر، تا حدودی موجب افول مرزهای ملی می‌شود و مردمان جهان را به سوی فرهنگی مشترک سوق می‌دهد، همین فن‌آوری موجب بازتعریف هویت‌های ملی و قومی شده است. کاستلز در این باره معتقد است، افول مرزهای ملی و طلوع جنبش‌های ملی‌گرایی و در نتیجه آن ظهور و تقویت هویت‌های ملی فرایندی توأمان اند. بدین معنا که اگر گسترش فزاینده اطلاعات و رسوخ شبکه جهانی مجازی در تاروپود فرهنگ‌ها و ملل مختلف، موجب تضعیف هویت‌های ملی می‌شود، از سوی دیگر همان ملل و فرهنگ‌ها با استفاده از همین تکنولوژی به بازتعریف هویت ملی خود و تلاش در راستای تقویت و پاسداشت انگاره‌های فرهنگی و هویتی خود می‌پردازند (دوران، ۱۳۸۲: ۷۲).

در واقع این امر مبرهن است که در پرتو گسترش فن‌آوری اطلاعات، به لحاظ فرهنگی تا حدود زیادی هویت‌های فردی و قومی و ملی متأثر از جهانی شدن است، اما این به این معنا نیست که افراد نسبت به هویت‌های اکتسابی خود، بی تفاوت باشند. بلکه با استفاده از فضای سایبر و ایجاد سایت‌ها و وبلاگ‌ها به انکشاف فرهنگی و بازخوانی هویتی خود می‌پردازند. تولد این فن‌آوری موجب شده تا کاربران آن بدون ترس و واهمه از افشای هویت‌شان، در چت روم‌ها و ایمیل‌ها آزادانه با دیگران بحث و گفتگو نمایند.

یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های اینترنت که در مقولاتی نظیر مسائل قومی نقش قابل توجهی ایفا می‌کنند، نظارت‌پذیری بسیار اندک آن است. به طوری که در مقایسه با سایر فن‌آوری‌های رسانه‌ای، آزادی چشمگیری به آن بخشیده است. این ویژگی می‌تواند به تجلی صورت‌هایی از ارتباط موثر باشد که در فضای واقعی / غیرمجازی در مواردی به دلایل مختلف دشوار یا غیر ممکن به شمار می‌روند و به همین علت گستره بسیار محدودتری را در بر می‌گیرند (فکوهی-عیاری، ۲: ۱۳۸۴).

هویت ملی^۱

هویت به معنای چه بودن، چه کسی بودن شناساندن، حقیقت و ماهیت چیزی است و در پاسخ چه کسی بودن و چگونه بودن مطرح می‌شود. هویت ملی به مجموعه خصوصیات و مشخصات اساسی گروه گفته می‌شود که اعضای گروه را همانند ساخته و آنها را از سایرین متمایز می‌سازد (امینیان، ۱۳۸۶: ۷۲). اسمیت معتقد است هویت ملی بازتولید و بازتفسیر دائمی ارزش‌ها، نهادها، خاطرات و اسطوره‌ها و سنت‌هایی است که میراث متمایز ملت‌ها را تشکیل می‌دهند و تشخیص هویت افراد با آن الگو، میراث و یا عناصر فرهنگی امکان‌پذیر است (صادق زاده و منادی، ۱۳۸۷: ۱۲۸). هویت ملی شکل غالب در دولت ملی به حساب می‌آید که البته عمدتاً سیاسی است و به علت سیاسی بودن، خود نیاز به ایجاد الگوهای ذهنی و رفتاری مشخص در غالب ایدیولوژی حاکم دارد. این هویت عمدتاً در برگرفته ملتی است که در درون سرزمین جغرافیایی مشخص بوده و دارای زبان و یک ساختار حاکمیت سیاسی واحد می‌باشد. این گروه دارای سرنوشتی مشترک بوده و در جنبه‌های مختلف فرهنگی، اجتماعی و سیاسی دارای مشترکات زیادی می‌باشد. این نوع هویت، عام‌ترین هویت در سطح ملی است و بیانگر "ما"ی جمعی عام یا اجتماع جامعه‌ای در سطح جامعه یا کشوری است که در برگرفته هویت‌ها و اجتماعات محلی است. بنابراین هویت ملی زمانی شکل می‌گیرد که ملت به معنای امروزی آن شکل گرفته باشد (اشرف، ۱۳۷۳: ۸).

از دیدگاه جامعه‌شناختی، هویت ملی به این لحاظ اهمیت دارد که یکی از عوامل مهم انسجام اجتماعی و سازگاری ملی در جامعه تلقی می‌گردد. در طول تاریخ، هویت ملی و به تعبیر دیگر مجموعه زبان، فرهنگ، آداب و رسوم، شعایر دینی، اسطوره‌ها و داستانهای قومی در هر سرزمینی قداست و ارزش خاصی داشته و خاستگاه بروز و نمایش دلآوری‌ها و پهلوانی‌ها در کشاکش رویدادهای سهمگین و خانمان سوز گشته است (حجازی، ۱۰: ۱۳۸۵).

¹ National Identity

هویت قومی^۱

«قومیت به دیدگاه‌ها و شیوه‌های عمل فرهنگی که اجتماع معینی از مردم را متمایز می‌کند اطلاق می‌شود» (گیدنز، ۲۶۰: ۱۳۷۴). قومیت یا هویت‌خواهی قومی مبتنی بر دوگانگی ذهنی ما آنها است، یعنی یک بعد آن این است که اعضای قوم (درون قوم) خود را چطور ببینند و بعد دیگر آن این است که دیگران (برون قوم) اعضای قوم را چطور ببینند. بدین جهت گروه‌های قومی همواره به وسیله دو مجموعه پویا احاطه می‌شوند. یک مجموعه نیروهای داخلی است که سبب تثبیت و دوام ما بودن می‌شوند و یک مجموعه نیروهای بیرونی است که سبب تشکیل و تعیین آنها-بودن می‌شوند. در این معنا همه نیروها عناصری که سبب تثبیت و دوام «ما بودن» می‌شوند، جزء عناصر هویت قومی به حساب می‌آیند (رینگر به نقل از یوسفی، ۵۷، ۱۳۸۳).

پیشینه پژوهش

گل محمدی (۱۳۸۴)، در گزارش پژوهشی با عنوان **درآمدی نظری بر جهانی شدن و هویت قومی**، به دنبال ارائه یک چارچوب مفهومی مناسب برای بررسی و درک تأثیر فرایند جهانی شدن بر قومیت می‌باشد. از نظر نویسنده، فرایند جهانی شدن به دو صورت زمینه ساز و تقویت کننده قومیت یا هویت قومیمی‌شود نخست، به صورت غیرمستقیم از طریق مختل کردن کارویژه های هویت‌سازی و هویت بانی دولت. و دوم، به صورت مستقیم از طریق فراهم کردن بستر، امکان و ابزار مناسب برای شکل گیری و تقویت هویت قومی. بسترها و امکانهای مورد نظر را می‌توان در دو مقوله ی کلی جای داد: بستر و زمینه گفتمانی- فکری و بستر و زمینه ساختاری. منظور از بستر و زمینه گفتمانی- فکری این است که فرایند جهانی با متحول کردن ساختارهای گفتمانی و فکری، زمینه و شرایط مناسبی را برای شکل گیری و تقویت هویت ملی فراهم می‌کند. منظور از بستر ساختاری، عبارت است از شکل گیری شبکه‌های ارتباطی جهانی بسیار کارآمد و فن آوری های جدید ارتباطی که نه تنها ارتباطات معمولی را ممکن ساخته، بلکه یک حوزه مجازی را نیز پدید آورده است که چندان سانسور پذیر و نظارت پذیر نیست و به آسانی ممکن است به عرصه ای برای نقد و افشای عملکرد گفتمان های هویت‌ساز مسلط و بازسازی هویت ملی رسمی مبدل شود. (گل محمدی به نقل از قادرزاده، ۱۳۸۸)

کتاب جوان، هویت و رسانه دیجیتال، شامل مجموعه مقالاتی است که در ۲۰۶ صفحه توسط «دیوید باکینگهام» گردآوری شده است. این کتاب در سال ۲۰۰۸م، توسط انتشارات «مؤسسه تکنولوژی ماساچوست» به چاپ رسیده است، کتاب حائز اهمیتی در بحث پیشینه ی تحقیق می‌باشد. دیوید باکینگهام استاد آموزش دانشگاه لندن و مؤسس و مدیر «مرکز مطالعه کودکان، جوانان و رسانه» می‌باشد. چکیده و جوهره اصلی اثر این است که پرورش جوانان در دنیایی مملو از رسانه‌های دیجیتال، بر تصور آنها از خودشان و دیگران چه تأثیری می‌گذارد؟ در چنین

¹ Ethnic Identity

شرایطی که آنها هویت خودشان را از طریق فن‌آوری‌های نوین تعریف و بازتعریف می‌کنند، این موضوع چه تأثیری بر تجربیات آنها به عنوان یک دانش‌آموز یا دانشجو، شهروند، خریدار و یا یک عضو خانواده و جامعه دارد؟ نویسندگان مقالات به این موضوع می‌پردازند که چگونه جوانان از رسانه‌های دیجیتال برای ارائه نظرات، ایده‌ها و خلاقیت‌های خود استفاده می‌کنند و در شبکه‌هایی کوچک و بزرگ، محلی و جهانی، حقیقی یا مجازی مشارکت می‌کنند. این نویسندگان به تحقیق در زمینه ظهور گونه‌ها و شکل‌های جدید فن‌آوری‌های نوین از جمله پیام‌های کوتاه، فوری و هم‌زمان در صفحه‌های اینترنتی، وبلاگ‌ها، شبکه‌های اجتماعی و موضوعاتی که جوانان در مورد آنها به صورت آنلاین بحث و گفتگو می‌کنند، می‌پردازند. از نظر نویسندگان مقالات این نسل، نسلی دیجیتالی با فضاهایی برای ارتباطات گسترده است و این فضاها اشکال جدیدی از برخوردها و ارتباطات را به وجود آورده‌اند.

ابوتراب طالبی و یاور عیوضی در مقاله‌ای تحت عنوان **هویت طلبی قومی در فضای مجازی** با روش تحلیل محتوا به بررسی کم و کیف مسئله هویت طلبی قومی در فضای مجازی پرداخته‌اند. در این مقاله مفهوم «هویت طلبی قومی» بر روی طیفی که پایین‌ترین سطح آن «قوم‌گرایی» و بالاترین سطح آن «پاکسازی قومی» می‌باشد، بررسی شده است. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که بیشترین مطالب قومی موجود در فضای مجازی مربوط به «قوم‌مداری» می‌باشد. این مطالب در جهت باورسازی افکاری از قبیل ضدیت ترک و فارس، استعمار ترکان توسط حکومت فارسی، تحریف تاریخ و جغرافیای آذربایجان نوشته شده است. یک درجه شدید تر از درجه «قوم‌مداری»، درجه «ناسیونالیسم تجزیه طلبانه» می‌باشد که با محوریت لزوم جدایی از سرزمین ایران و مستقل بودن مناطق ترک نشین ایران مطالبی درج شده است.

محمود مبارکشاهی در مقاله‌ای به بررسی **هویت طلبی کردها در فضای مجازی** پرداخته است. وی یادآور شده است که فن‌آوری‌های اطلاعاتی جدید موجب بازتعریف و انکشاف فرهنگی و هویتی ملل و اقوام شده است. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که فضای مجازی از لحاظ هویتی، دارای کارکردی دوگانه می‌باشد. از یک سو با گسترش انگاره‌های جهانی تمامی ملل و اقوام را به سوی ادغام سوق می‌دهد و از سوی دیگر همین فضا، بدون هیچ‌گونه محدودیتی، امکان انکشاف هویتی را در میان اقوام و گروهایی که در حال محو و نابودی فرهنگی هستند فراهم می‌سازد. بنابر این فرض در فضای مجازی، بر خلاف فضای واقعی که بخشی از افراد جامعه به دلیل موقعیت‌های اجتماعی خاص، به نوعی اعتماد به نفس لازم را در ابراز عقاید خود از دست می‌دهند، به راحتی و با هویت جدیدی در فضای مجازی ظاهر می‌شوند، و بدون نگرانی از افشای هویت واقعی، اهداف خود را دنبال می‌کنند. فرض اصلی این پژوهش به اثبات می‌رسد که اقلیت‌های فضایی، هویت خود را به دلیل سیطره فرهنگ غالب و اکثریت بالادست در خطر نابودی و اضمحلال می‌بینند و امکان تقویت انگاره‌های فرهنگی و هویتی خود را در فضای واقعی نمی‌یابند، فضای مجازی بهترین مکان در راستای تقویت هویت قومی و اظهار مطالباتشان می‌باشد. نمونه بارز چنین پدیده‌ای، کردها می‌باشند که با توجه به موانع متعدد در عرصه بازخوانی و هویت

طلبی خود در فضای واقعی، با بهره‌گیری هوشمندانه از فضای سایبر، به صورت جدی پیگیر هویت‌خواهی قومی خود را به منصفه ظهور رسانده‌اند.

سیاوش قلیپور (۱۳۸۴) در پایان‌نامه کارشناسی ارشد خود به مطالعه رابطه بین جهانی شدن و هویت فرهنگی قوم لک بر مبنای پارادایم مطالعات فرهنگی و به ویژه نظریات استوارت هال پرداخته است. او نتیجه می‌گیرد که قوم لک از حاشیه بودن خود، آگاه هستند به همین دلیل با مصرف محصولات فرهنگی دست به مقاومت می‌زنند.

مجنون آموسی (۱۳۸۴) در پایان‌نامه کارشناسی ارشد خود به مطالعه تاثیر جهانی شدن بر احساس تعلق هویت قومی و ملی در میان جوانان کرد شهر پیرانشهر پرداخته است. بر این اساس معتقد است شرایط جهانی شدن و رواج گسترده رسانه‌های قومی مانند شبکه‌های ماهواره‌ای موجب تقویت عناصر هویتی قوم کرد شامل زبان، لباس، وفاداری سرزمینی و ملیگرایی قومی شده است، به طوری که کردها به لحاظ هویت فرهنگی، خود را با سایر اقوام ایرانی مشترک میدانند؛ هر چند میان هویت ایرانی و حوزه سیاسی فاصله‌گذاری مشخصی انجام می‌دهند.

تحقیق دیگری تحت عنوان تاثیر جهانی شدن بر هویت ملی توسط حافظ نیا و همکاران در بین دانشجویان دانشگاه‌های دولتی صورت گرفته است نتایج حاکی از آن است که گسترش فرایندهای جهانی شدن در قالب فن‌آوری‌های نوین (فیس بوک و سایر شبکه‌های مجازی) زمینه ساز تقویت فرو ملی دانشجویان را فراهم آورده است. (حافظ نیا و همکاران، ۱۳۸۵)

مقاله ای تحت عنوان عوامل موثر بر هویت جمعی غالب در نزد دانشجویان شاغل به تحصیل در دانشگاه‌های شهر سنندج توسط مرحوم عبدالهی و برزو مروت به انجام رسیده است. پرسش اصلی این است که دانشجوی در درجه اول با کدام یک از هویت‌های جمعی (قومی، ملی، جهانی) خود را به دیگران معرفی کرده و در برابر آن احساس تعهد و تعلق می‌کند؟ رابطه هویت جمعی غالب در نزد دانشجویان با گسترده شبکه روابط، گروه مرجع، پایگاه اقتصادی اجتماعی، میزان آگاهی، پنداشت از خود و جنسیت دانشجویان سنجدیده شد. نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل و داده‌ها بیانگر آن است که هویت جمعی غالب در نزد دانشجویان هویت قومی بوده و هویت‌های جهان وطنی و ملی به ترتیب در اولویت‌های بعدی قرار دارند.

آذرنوش عیاری در پایان‌نامه خود با عنوان فعالترین گروه‌های قومی در اینترنت به بررسی گروه‌های قومی در ایران می‌پردازد. ایشان در بررسی خود آذری‌ها و کردها را بعنوان فعالترین گروه‌های قومی در عرصه شبکه‌های مجازی معرفی می‌کند. آذری‌ها بخش مهمی از حضور خود را در اینترنت در قالب طرح مسائل سیاسی-اجتماعی مختلف به ویژه مسائل مربوط به هویت، آرمان‌ها و مطالبات قومی متجلی می‌سازند. در مورد آذری‌ها یکی از زمینه‌های مناقشه درون قومی به واسطه اختلاف نظر پیرامون منشا این گروه قومی تجلی می‌یابد که در مواردی در قالب برخی جهت‌گیری‌های مشخص فراملی مشاهده و ثبت گردیده است (عیاری، ۱۳۸۴).

ایترننت و هویت در پنج هویت قومی و ایرانی (۱۳۸۹)، به وسیله فکوهی و عیاری در پنج گروه آذری، بلوچ، ترکمن، عرب، کردها و میزان و چگونگی حضور و عملکرد اینترنت در میان این

گروه‌های قومی و تاثیر آن بر هویت قومی آنها انجام شده است. یافته حاکی از آن است که در گستره جهانی شدن، مرزهای هویت قومی نه تنها از میان نرفته بلکه امکان تجلی بسیار بیشتر شده، زیرا اینترنت عرصه‌ای که انواع هویت‌های خرد را از سکوت و انزوا بیرون کشیده و به آنها مجال هر چه بیشتر شناخته شدن و شناختن را می‌دهد (فکوهی، ناصر، ۱۳۸۹).

علی ساعی، سعید معیدفر، محمدعلی خلیلی اردکانی (۱۳۹۱)، در مقاله‌ای تحت عنوان **جهانی شدن و تأثیر آن بر هویت قومی و ملی مطالعه کردهای سنندج** به دنبال پاسخ به این سوال بودند که آیا نسبتی میان روند جهانی شدن با هویت ملی و هویت قومی در میان کردهای ایران وجود دارد یا خیر؟ برای پاسخ به این سؤال از نظریه رولاند رابرتسون استفاده شده است. رابرتسون جهانی شدن را فشرده شدن جهان و تراکم آگاهی در جهان بعنوان یک کل تعریف می‌کند (رابرتسون، ۱۳۸۰: ۳۵). او با توجه به رویکرد فرهنگی اش به جهانی شدن، هم بر تکرر و هم بر نسبییت، هم بر تعامل (نه تقابل) و هم عام‌گرایی و خاص‌گرایی فرهنگ‌ها و هویت‌ها تاکید دارد (رابرتسون، ۶۲: ۱۳۸۳). رابرتسون تاثیر جهانی شدن را بر فرهنگ محلی و فرهنگ جهانی بررسی می‌کند و مدعی است دولت‌ها در عصر جهانی شدن قادر به کنترل افکار و ایده‌هایی نیستند که از طریق رسانه‌های جدید وارد کشور می‌شود و این خود باعث رشد افکار محلی‌گرایی می‌شود (نش، ۱۱۱: ۱۳۸۰). در این پژوهش فرضیه اصلی ارتباط میان مصرف رسانه‌های جمعی جهانی شده (فضای مجازی) و نوع هویت قومی است که یافته‌های تحقیق دلالت بر آن دارد که افزایش مصرف رسانه‌های جهانی شده به تضعیف هویت ملی و هویت دولت ساز منجر شده است.

مبانی نظری

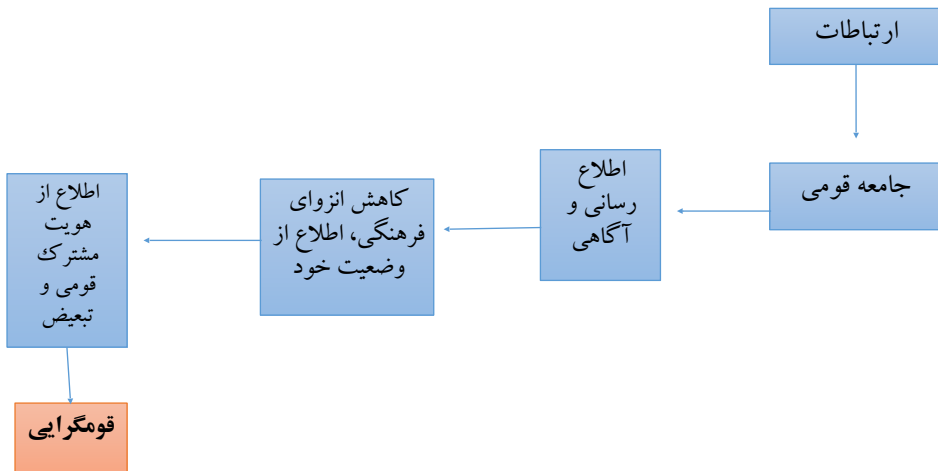
ارتباطات (ITC) و قوم‌گرایی

بعضی از محققان ارتباطات را عاملی برای همگرایی ملی و بعضی دیگر آن را در راستای واگرایی ارزیابی می‌کنند. هر چند طبیعی به نظر می‌رسد که اطلاعاتی که مردم دریافت می‌کنند لزوماً صحیح نبوده و افراد لزوماً آن را نمی‌پذیرند. رسانه‌های همگانی بویژه برای پخش اطلاعات سیاسی مهم هستند و در بیشتر جوامع مهمترین منبع این گونه اطلاعات هستند و تلویزیون از همه آن‌ها مهم‌تر است (راش، ۱۳۷۷: ۱۸۰). اما در هر حال آگاهی از طریق ارتباطات پخش می‌شود. این منبع ارتباطی ممکن است ناشی از گروه خودی و یا گروه غیر خودی باشد. یکی از نظریه‌های که نقش ارتباطات را با ناسیونالیسم موثر می‌داند از آن کارل دویچ است. «او ملت را به عنوان جامعه‌ای به هم پیوسته که دارای ارتباطات اجتماعی است تعریف می‌کند و معتقد است، همان گونه که ارتباطات از طرق مختلف نظیر آگاهی دادن، نفوذ در دیدگاه‌ها و تغییر ایستارها و طرز تلقی‌ها، موجب بروز ملی‌گرایی و کاهش مناقشات قومی و نژادی و فرهنگی شد، ادامه این روند موجب همبستگی و پیوند نزدیک‌تر در سطح جهان خواهد شد» (مقصودی، ۱۳۸۰: ۱۸۲).

مقصودی از طرف مک کورمک نقل قول می‌کند که رسانه‌های همگانی این احساس را در افراد به وجود می‌آورند که عضوی از جامعه کل و پدیده بزرگتری هستند و بدین گونه به افراد هویت می‌بخشد و در آن‌ها احساسی از یگانگی به وجود می‌آورند (مقصودی، ۱۳۸۰: ۱۸۴).

از نظر واکرکانر هم ارتباطات درون قومی و میان قومی، هر دو نقش مهمی در خلق آگاهی قومی ایفا می‌کنند. این امر زمانی مهم تر خواهد بود که دولت مرکزی در صدد بسط نفوذ فرهنگی خویش در مناطق قومی در آید (سید امامی، ۱۳۷۶: ۲۵۴-۲۵۳). مقصودی در تحقیق تفصیلی خود نظر حمید مولانا و الیزابت روبینسون را در مورد نقش رسانه در قوم گرایی یادآور می‌شود. او معتقد است پیشرفت در ابزارهای ارتباطی و حمل و نقل، انزوا طلبی فرهنگی را کاهش می‌دهد. پیشرفت تکنولوژی با افزایش آگاهی اقلیت‌ها در قبال تمایزات خود با سایر گروه‌ها، آگاهی فرهنگی آنان را افزایش داده است. فرد نسبت به گروه‌های قومی وابسته به خود و هم چنین نسبت به کسانی که با او هویت مشترکی دارند، آگاهی بیشتری می‌یابد. ارتباطات نه تنها در تحرک اجتماعی و فرایند شکل‌گیری ملت بلکه در تقویت آگاهی قومی نیز نقش پر نفوذی ایفا می‌کند (مقصودی، ۱۳۸۰: ۱۸۵).

شماتیک نظری نقش ارتباطات در قوم گرایی



البته این نظر در صورتی درست است که منبع اطلاع و اخبار فقط در اختیار دولت حاکم بر قومیت باشد. اما با دسترسی اقوام به اینترنت و شبکه‌های مجازی نوین جریان اول ممکن است خنثی شود و رسانه‌های قومی که خارج از کنترل دولت هستند، خود قوم گرایی را تشویق کنند. یکی از کسانی که در این رابطه تحقیق کرده امیر حسن پور می‌باشد. حسن پور با تئوری حاکمیت

در آسمان^۱ به تشریح نقش تکنولوژی ارتباط بر احیاء هویت قومی پرداخته است. رومانو^۲ در مقاله «تکنولوژی ارتباطی مدرن در دست ناسیونالیست‌ها؛ مطالعه موردی کردها» بر نقش ماهواره در احیاء قومی تأکید می‌کند. «فعالیت بر پایه هویت قومی باعث بسیج و سیاسی شدن قومیت به منظور دفاع از گروه می‌شود» (رومانو، ۱۳۷: ۲۰۰۰).

جهانی سازی^۳ و هویت‌خواهی قومی^۴

در ارتباط با پدیده جهانی شدن، رشد و گسترش فن‌آوری‌های اطلاعاتی ارتباطی بر هویت‌خواهی قومی رویکردهای نظری متفاوتی از سوی اندیشمندان ارائه شده که در کل می‌توان در سه رویکرد اساسی و متضاد را دسته‌بندی کرد:

الف: رویکرد اول کاهش منازعات قومی در چشم انداز توسعه فرهنگی - ارتباطی:

این رویکرد نوید بخش کاهش منازعات قومی و محلی و فرایند جهانی شدن است و در واقع اشاره دارد که با یکسان‌سازی فرهنگی در سطح جهان، هویت‌های محلی رو به کاهش خواهند گذاشت، عبارتی جهانی شدن و محصولات آن موجب کاهش یا تضعیف هویت‌خواهی قومی می‌گردد. افرادی هم چون تونیس، اریک هابزباوم، کارل دویچ، فرانسیس فوکویاما، مک کورمک، ریچارد رایش و... از جمله اندیشمندان این رویکرد محسوب می‌شوند که با مثبت خواندن نقش توسعه ارتباطات در فرایند جهانی شدن، کاهش مناقشات محلی و قومی را نوید داده و جهانی شدن را به گونه‌ای در برابر محلی شدن قرار می‌دهند. به عبارتی اندیشمندان این رویکرد معتقدند فن‌آوری‌های نوین اطلاعاتی و ارتباطاتی زمینه استقرار و تقویت هویت ملی را فراهم می‌سازد و منازعات قومی و فروملی را کاهش می‌دهد (دهشیار، ۹۲: ۱۳۷۹؛ مقصودی، ۱۸۲: ۱۳۸۱؛ سجادی‌پور، ۱۰: ۱۳۸۱).

¹ *Governess in Sky*

² *Romano*

³ *Globalization*

⁴ *Ethnic Identity*

ب: رویکرد دوم تنش‌های قومی در فرایند توسعه سطح مراودات و مبادلات فرهنگی - ارتباطی:

اندیشمندان این رویکرد بر روند رو به تزاید بحران‌های قومی و هویت‌خواهی‌های فرهنگی خبر می‌دهد، توسعه و افزایش سطح مراودات و مبادلات را زمینه‌ساز بسط و گسترش آگاهی‌های قومی و فرهنگی و در نهایت خیزش قومی ارزیابی می‌کنند. این امر تاکید دارند که با گسترش فن‌آوری‌های اطلاعاتی و ارتباطاتی زمینه تقویت هویت‌های فروملی و تضعیف هویت‌های ملی فراهم می‌گردد. هربرت بلومر، مایکل بروان مانوئل کاستلز، رابرتسون، گیدنز، هال و حمید مولانا معتقدند فن‌آوری‌های اطلاعاتی و ارتباطاتی با تضعیف دولت ملت و شکاف در هویت ملی بستر ساز بحران‌های فروملی و قومی هستند (مقصودی، ۱۸۴: ۱۳۸۱).

به نظر هال، هویت‌های محلی که تا دیروز امکان وجود نداشتند، امروز با سرعتی شگفت آور خود را مطرح می‌کنند. بدین ترتیب، این قسم هویت‌ها تاریخ پنهان خودشان را باز می‌نمایند. از این منظر، قومیت جایگاه لازمی است که امکان سخن گفتن را برای مردن فراهم می‌آورد (هال، ۱۳۸۳: ۲۵۷).

کاستلز، معتقد است حوزه فرهنگ که نظام‌هایی از عقاید و رفتارها را شامل می‌شود و ساخته تاریخ می‌باشد، با ظهور تکنولوژی جدید دست خوش دگرگونی‌های بنیادین می‌گردد و به دنبال آن ساختار مناسبات و ارتباطات انسانی نیز شکل جدیدی به خود می‌گیرد (کاستلز، ۱۳۸۲: ۳۸۳).

به اعتقاد او با این که هویت منبع معنا برای خود کنشگران است و به دست خود آن‌ها از رهگذر فرایند فردیت بخشیدن ساخته می‌شود با این حال ممکن است هویت‌ها از نهادهای مسلط نیز ناشی شوند. از نقطه نظر کاستلز یکی از مهمترین عواملی که در عصر حاضر بر هویت (فردی، جمعی، ملی) اثرگذار است تحولات ناشی از فن‌آوری‌های نوین اطلاعاتی و ارتباطاتی می‌باشد. او معتقد است که فرایند شکل‌گیری و انتشار اینترنت و شبکه‌های ارتباط کامپیوتری وابسته به آن در ربع قرن گذشته ساختار رسانه‌ای جدیدی را در معماری شبکه، فرهنگ کاربران شبکه و الگوهای واقعی ارتباطات برای همیشه شکل داده است (کاستلز، ۱۳۸۰: ۴۱۳).

او بر نقش جایگاه اینترنت به عنوان زیر ساخت اساسی جامعه‌های اطلاعاتی تاکید می‌کند که ضمن بکارگیری و اعمال قدرت در عصر جهانی شدن، پویایی‌ها و پیچیدگی‌های آن را افزایش می‌دهد و منجر به پیدایش جامعه‌ای شبکه‌ای می‌گردد. به نظر کاستلز فرایند جهانی شدن و به تبع آن جامعه شبکه‌ای از دو جهت منجر به تضعیف دولت-ملت و هویت ملی مرتبط با آن می‌شود. هر چند در این فرایند دولت‌های ملی سلطه انحصاری خود بر ابزارهای اجبار و همچنین تا حدودی نفوذ خود را حفظ خواهند نمود. اما از طرف دیگر با جهانی شدن اقتصاد و سرمایه، دولت‌ها کنترل خود را بر اقتصاد ملی تا حد زیادی از دست می‌دهند. با گسترش و پیشرفت رسانه‌های جمعی و ارتباطی، فرهنگ از حیطه دست کاری و نفوذ دولت‌ها خارج می‌شود و با شکل‌گیری اجتناب‌ناپذیر شبکه‌ها و سازمان‌های جهانی و اتحادیه‌های منطقه‌ای بسیاری از حیطه‌ها استقرار دولت و زمینه‌ها سیاستگذاری داخلی و خارجی از میان می‌رود. از طرف دیگر با برجسته شدن بسیاری هویت‌های خاص گرایانه در داخل کشور، همانند هویت‌های قومی و مذهبی، سلطه

دولت و نقش آن در تعریف هویت ملی به چالش کشیده می‌شود. هویت‌های مقاومت و هویت‌های برنامه دار سیطره دولت را که از طریق به کارگیری سنت و بر ساختن هویت ملی میسر می‌شد به چالش می‌کشند. تلاش دولت برای احیای مشروعیت قدرت خویش از طریق نامتمرکز ساختن قدرت اجرایی و پراکنده ساختن آن در سطوح محلی و منطقه‌ای باعث تقویت گرایش‌های گریز از مرکز می‌شود. کاستلز گسترش بنیاد گرایی دینی، ناسیونالیسم، هویت قومی و هویت سرزمینی را به مثابه مهمترین واکنش‌های خاص گرایانه به فرایند جهانی شدن می‌داند (کاستلز، ۲۹۷-۱۵۷، ۱۳۸۰).

بنابراین از نظر کاستلز سلطه فن‌آوری‌های نوین از یک سو زمینه یکسان‌سازی و یکپارچگی فرهنگی را فراهم ساخته و از سوی دیگر با آگاهی بخشی و تقویت خودآگاهی نسبت به هویت‌های فروملی، زمینه تقویت گرایش‌های گریز از مرکز را فراهم ساخته و هویت‌های ملی را چالش‌های جدی مواجه ساخته و بستر ساز بحران‌های فروملی و قومی خواهند شد (دهشیری، ۱۳۷۹: ۲۱).

گیدنز اعتقاد دارد هویت چیزی نیست که در نتیجه تداوم کنش‌های اجتماعی به فرد تفویض شده باشد بلکه چیزی است که فرد آن را به طور تداوم و روزمره ایجاد کند و در فعالیت‌های بازتابی خویش مورد حمایت و پشتیبانی قرار دهد (گیدنز، ۱۳۸۱: ۸۱). از نظر او نفوذ و تاثیر رویدادهای دوردست بر رخداد‌های نزدیک تر، همچنین خصوصی ترین‌های گوشه‌های خود ما بیش از پیش به صورت پدیده‌ای رایج و متعارف در می‌آید. رسانه‌های ارتباطات جمعی نقش موثری در این زمینه دارند (گیدنز، ۱۳۸۵: ۱۹-۲۰). اطلاعات و افکاری که رسانه‌ها در جامعه منتشر می‌کنند فقط بازتابی از جهان اجتماعی نیست بلکه یکی از عوامل و نیروهای موثر در شکل‌گیری جهان اجتماعی است. این رسانه‌ها در بازاندیشی مدرن نقش محوری دارند و گزینه‌های انتخاب ما را مشخص می‌کنند (گیدنز، ۱۳۸۴: ۲۸). از جمله این رسانه‌ها اینترنت است. گیدنز اینترنت را قلب تپنده انقلاب ارتباطی می‌داند و بر این باور است که دسترسی به اینترنت و شمار کاربران اینترنت در سراسر جهان سر به آسمان سائیده و این پدیده در حال دگرگون ساختن سیمای زندگی روزانه و سهولت یافتن جریان اطلاعات درباره مردم و رویدادها تا اماکن دوردست است چرا که این امکان را به افراد می‌دهد تا با افراد از گوشه و کنار جهان تماس برقرار کنند این تماس یک نوع کنش الکترونیکی است که این کنش متقابل الکترونیکی غالباً آزادی بخش و توانبخش معرفی می‌شود چون مردم می‌توانند هویت‌های اینترنتی دلخواه خود را برای خویش خلق کنند و آزادتر از جاهای دیگر سخن بگویند (گیدنز، ۱۴۹-۱۴۷: ۱۳۸۵).

ج: رویکرد سوم نظریه‌پردازی‌های متفاوت فرهنگی-ارتباطی در قبال کشمکش‌های قومی:

اندیشمندان این رویکرد با نگاهی واقع‌بینانه تر و ترکیبی به تاثیر تکنولوژی اطلاعاتی و ارتباطاتی بر هویت ملی، بر جنبه‌های تقویت‌کننده و تضعیف‌کننده تاکید دارند. دیوید جی. الکنس، مک

گرو از اندیشمندانی هستند که بر فرصت‌ها و تهدیدات تکنولوژی‌های اطلاعاتی و شیوه تأثیر گذاری این فن‌آوری‌ها بر هویت ملی را تشریح می‌کنند (مقصودی، ۱۳۸۱: ۹۱؛ دهشیری، ۹۲: ۱۳۷۹).

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

گُردها پس از عرب‌ها، فارس‌ها و تُرک‌ها بزرگترین بلوک قومی را در خاورمیانه تشکیل داده‌اند (اولسون^۱، ۲۰۰۳: ۶). با وجود قدمت مسئله دار شدن نشانگرهای فرهنگی و هویتی در نزد گُردها و نمود و ظهور آن به شیوه‌های گوناگون، رویدادها و تحولات معاصر نظیر، تشدید و تعمیق فن‌آوری‌های نوین ارتباطی و اطلاعاتی، در هم تنیدگی جهانی، گسترش ارزش‌های جهان شمول، امکان بی‌پایان هویت‌سازی و تنوع هویتی (رابرتسون^۲، ۱۳۸۰: ۵۲؛ آلبرو^۳، ۱۹۹۶: ۱۶۴-۱۶۷؛ نش^۴، ۱۳۸۰: ۲۹۰-۲۹۳؛ فیزرستون^۵، ۱۹۹۰: ۶)، به گسترش فزاینده‌ی ایستگاه‌ها و شبکه‌های تلویزیون ماهواره‌ای گُردی، شکل‌گیری اجتماعات مجازی قومی با درون مایه‌های ملیت‌گرایانه (گیبرنوه^۶، ۲۰۰۱: ۲۵۹)، بین‌المللی شدن مسئله گُرد (وان بروینسن^۷، ۱۹۹۹: ۳)، و تشدید روابط و مناسبات بین فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی گُردها منجر شده است (احمدزاده، ۲۰۹: ۱۳۸۶). رویدادها و تحولات مذکور، تغییرات شگرفی در عرصه مناسبات اجتماعی گُردها در سطوح درون جامعه‌ای و فرا جامعه‌ای به دنبال داشته و به تبع آن نیز ابعاد و سطوح تعلقات جمعی گُردها را دستخوش دگرگونی ساخته است (قادرزاده، ۱۳۸۸). بر اساس نگاه موجود در مناطق قومی، گُردها از جمله اقوامی می‌باشند که در سه کشور ترکیه، ایران، سوریه حضور دارند و در تلاش می‌باشند تا با فعالیت در فضای مجازی، امکان حفظ و ترویج انگاره‌های هویتی و فرهنگی خود را حفظ نمایند. با مطرح شدن شبکه‌های اجتماعی فیس‌بوک و تویتر، کردستان از جمله مناطقی است که افراد مختلف از جمله جوانان در سطحی وسیع با کار گذاشتن تصاویر و متون مختلف به زبان کردی و کارکردهای مختلف فرهنگی، سیاسی و اجتماعی به دنبال بازتعریف و انکشاف فرهنگی و هویتی خود می‌باشند (مبارکشاهی، ۱۳۹۲: ۵). علاوه بر سایت‌های متعدد که به زبان کردی

¹ Olson

² Robertson

³ AL brow

⁴ Nash

⁵ Featherstone

⁶ Guibernau

⁷ Van Bruin Essen

فعالیت دارند، وبلاگ نویسان زیادی در عرصه ترویج و بازخوانی هویت کردی در فضای سایبر مشغول فعالیتند. علاوه بر این کاربران کرد در پت روم‌ها نیز با تشکیل گروه‌های همفکر در رابطه با مسائل مختلف و محوریت هویت و فرهنگ کردی به تبادل فکر و آرا می‌پردازند (مبارکشاهی، ۱۳۹۲: ۶). اندرسون می‌گوید که هویت ملی از طریق نمادها و افسانه‌ها و نقشه‌ها منتقل می‌شود. اگر وب سایت‌های کردی مورد تحلیل و مشاهده قرار گیرد نخستین یافته‌ای که ثبت می‌گردد نمادها و نشانه‌های کردستان، نقشه کردستان، پرچم و رنگ‌های ملی می‌باشد که در صفحات سایت برجسته شده است (مک نالی، ۲۰۰۵). عناوین تاریخی، فرهنگی، شخصیت‌های برجسته، افسانه‌ها، قهرمانان و مکان‌های ملی در اغلب سایت‌های کردی وجود دارد. این عناوین هم ضمن تحریک کاربران وب سایت‌ها برای شکل دادن موطن تاریخی خود، در راستای ترویج هویت‌خواهی قومی کردی نیز عمل می‌نمایند (سی.اف. اندرسون، ۱۹۹۲).

بر اساس تحقیقی که توسط کانادان، مندرس و هانگر در رابطه هویت‌سازی آنلاین (مطالعه موردی کردها) صورت گرفته غالب یافته‌ها و محتوای آنلاین کردی روی چند محور متمرکز است:

۱. در اغلب سایت‌ها تاریخ مشترک کرد، جامعه و سیاست، ادبیات، مکان‌های تاریخی و شخصیت‌هایی به تفصیل بحث شده است. اطلاعات زمینه‌ای در مورد کشتارهای مختلف کرد (انفال، حلبچه در دهه ۱۹۸۰) به طور گسترده پوشش داده شده است.
۲. کاربران به تلویزیون و رادیوی کردی در بیشتر سایت‌های اینترنتی دسترسی دارند.
۳. غالب محتوای اینترنت برای تظاهرات، کمپین دادخواست و فعالیت‌های سیاسی/فرهنگی مانند سمینارها و کنسرت‌های طراحی شده در مورد علت مساله کردستان و کرد می‌تواند در جهان آنلاین و آفلاین یافت شود، جذاب هستند.

چنین روندی بدون تردید می‌تواند اثرات بسیاری بر جای گذارد که از جمله می‌توان به تضعیف برخی از آداب و رسوم و مناسک اخلاقی، رفتاری و خانوادگی تا فراهم آوردن نوعی ذهنیت مشترک «مای» کرد به عنوان اثرات احتمالی گسترش فضای مجازی اشاره نمود. در سنوات قبل شاهد ظهور بسیاری از سایت‌ها، وبلاگ‌ها و صفحات حقیقی و گروهی در شبکه‌های اجتماعی با موضوع و تمایلات قوم‌گرایانه کردی یا مرتبط با فرهنگ و تاریخ و اجتماع کردی بوده‌اند. اگر پیش‌تر نوشتن با زبان و شیوه نگارش کردی امری نامانوس جلوه می‌کرد اینک تعداد وبلاگ‌ها و سایت‌های کرد زبان افزایش یافته است. رشد بی‌رویه و البته بدون نظارت و کنترل ناپذیر استفاده از امکانات فضای مجازی برای تقویت و تشویق گرایه‌های قومی در کردستان بدون شک بر تضعیف پیوندهای کردها با نشانه‌های هویت ملی منجر شده است و در موارد متعدد در مطالعات مختلف که در رابطه با وضعیت هویت‌خواهی کردها انجام پذیرفته است، نتایج حاکی از اولویت هویت قومی در درجه نخست و حتی اولویت هویت فراملی بر هویت ملی نزد کردهای ساکن ایران است. این یافته‌ها، اهمیت و حساسیت توجه به فضاهای مجازی در مناطق مختلف در جامعه ایران را نشان می‌دهد.

منابع

- (۱) علوی، احمد (۱۳۹۰)، پیش زمینه‌های جنبش‌های فعال شمال آفریقا، مجله چشم‌انداز ایران، شماره ۶۷.
- (۲) اشرف، احمد (۱۳۸۶)، بحران هویت ملی و قومی در ایران، مجموعه مقالات ایران: هویت، ملیت، قومیت: مؤسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی.
- (۳) احمدی، حمید (۱۳۷۸). قومیت و قوم‌گرایی در ایران، ازافسانه تاواقعیت، تهران، نشرنی.
- (۴) صادق زاده، رقیه و منادی، مرتضی. (۱۳۸۷). جایگاه نمادهای هویت ملی در کتاب‌های درسی ادبیات فارسی و تاریخ دوره متوسطه: رشته‌های علوم انسانی، نوآوری‌های آموزشی.
- (۵) ادیبی، مهدی و همکاران. (۱۳۸۷). جهانی شدن فرهنگ با تاکید بر هویت اجتماعی جوانان اصفهان، فصلنامه مطالعات ملی، ۳۵، سال نهم، شماره ۳.
- (۶) حاجیانی، ابراهیم (۱۳۷۹)، مسئله وحدت قومی و الگوی سیاست قومی در ایران، نامه انجمن جامعه‌شناسی ایران، شماره ۳
- (۷) حسین بر، محمد عثمان و عبدالهی، ناصر. (۱۳۸۱). گرایش دانشجویان بلوچ نسبت به هویت ملی، مجله جامعه‌شناسی ایران، دوره چهارم، شماره ۴.
- (۸) فکوهی، ناصر (۱۳۸۱)، « شکل‌گیری هویتی و الگوهای محلی، ملی و جهانی»، مجله جامعه‌شناسی ایران، شماره ۴.
- (۹) مارک پاستر، عصر دوم رسانه‌ها، ترجمه غلامحسین صالحیار، تهران: موسسه ایران ۱۳۷۷، ص ۳۰.
- (۱۰) مانوئل کاستلز، عصر اطلاعات: اقتصاد، جامعه و فرهنگ، ترجمه احد علیقلیان و افشین خاکباز، (تهران: انتشارات طرح نو، ۱۳۸۵)، جلد اول، چاپ پنجم، ص ۱۵.
- (۱۱) قاسمی، وحید (۱۳۹۳)، تأثیر شبکه اجتماعی فیسبوک بر هویت فرهنگی جوانان شهر اصفهان (فصلنامه تحقیقات فرهنگی ایران، دوره هفتم، شماره ۱، ص ۱-۲۸).
- (۱۲) عیاری، آذرنوش (۱۳۸۴)، هویت قومی در اینترنت، پایان‌نامه کارشناسی ارشد)
- (۱۳) رابرتسون، رولاند (۱۳۸۰) جهانی شدن، تئوری‌های اجتماعی و فرهنگ جهانی، ترجمه کمال پولادی. تهران نشر ثالث.
- (۱۴) گل محمدی، احمد (۱۳۸۳) جهانی شدن، فرهنگ، هویت، رساله دکتری علوم سیاسی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران.
- (۱۵) گیدنز، آنتونی (۱۳۷۷) پیامدهای مدرنیت، ترجمه محسن ثلاثی، تهران مرکز.
- (۱۶) نش، کیت (۱۳۸۰) جامعه‌شناسی سیاسی معاصر، ترجمه محمد تقی دلفروز، تهران کویر.
- (۱۷) معیدفر، سعید و خلیلی اردکانی، محمد علی و ساعی، علی (۱۳۹۰) جهانی شدن و تأثیر آن بر هویت قومی و ملی، مطالعه کردهای سنندج، فصلنامه بررسی مسائل اجتماعی ایران، تابستان ۹۲، صص ۹۱-۱۱۲.

- ۱۸) مبارکشاهی، محمود (۱۳۹۲)، بررسی هویت طلبی در فضای مجازی (سایبر) نمونه موردی کردستان، فصلنامه زریبار، شماره ۸۴-۸۳.
- ۱۹) طالبی، ابوتراب و عیوضی، یاور، ۱۳۹۲، هویت طلبی قومی در فضای مجازی، فصلنامه برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی، شماره ۱۶.

منابع خارجی

- 20) Brass, Paul. (1998). Ethnicity and Nationalism: theory and Comparison, London
- 21) Waterz, M. (1998); The Theory of International Politics, New York: Addition Wasely.
- 22) Rothschild, J. (1981) Ethnopolitics: A Conceptual ramework, New York: Columbia University Pess. Rutledge, Londodon.
- 23) Hassanpour, Amir (1991). The Language police of Iran, from state policy on the Kurdish.

The Consequences of social networks (Case study: national and Ethnic identity of Kurds)

Abbas Shafiee Nia¹

Abstract

Growing expansion of Information and Communication Technology in recent years has affected the human life in different fields. One of the major areas is the Cultural background and discussion of national and ethnic identity. From this perspective, growing expansion of Information and Communication Technology and formation of "Networked Society" has led to development and reformation of identity seeking in national and ethnic dimensions in most societies; the most salient example of which is the growth of ethnic particularism in multi-ethnic communities or transnational identity seeking growth. This kind of ethnic particularism which sometimes reproduces itself in ethnic and nationalism forms has been influenced by modern global technologies and it is seeking to introduce itself for reaching its own suppressed demands within the modern era. Ethnic conflicts and standoffs in liberal countries such as France, Canada and Spain and Communism countries like China and Burma, ethnic conflicts in former Socialist countries like Yugoslavia and the USSR, record of ethnic conflicts in Islamic countries like Pakistan and Yemen all demonstrate that ethnic clashes has been an epidemic problem spanning all the universe continents from the Northern America to Europe and Asia and the Oceania. In this connection, the aim of the present paper was to analyse implications of virtual network and understanding the typology of identity seeking process of Iranian Kurds. Theoretical surveys regarding this issue indicate that different theoretical perspectives could be classified in relation with the virtual space and identity seeking: First, a group maintain that along with the emergence of technology, including communication technology, the traditional identity seeking has been dissipated and the modern identity seeking has replaced and this process occur in the world concurrently while the consequence will be growth of transnational and global identities.

The second group place emphasis on complete sustainability and durability of national and ethnic identities in different societies and even their intensity and resistance against changes. The third group argues that as a result of growing developments in the area of globalization, and communication technology, we see a combination and fusion of identity seeking at transnational, national and local-ethnic levels.

¹ Political Sociology Doctoral Student, University of Tehran, Cellphone: +989122185440

The methodology has been descriptive-analytical and documentation and library method were applied, though in this paper, the empirical literature review in relation with the subject regarding Kurds has been the underlying basis of the study. The analysis of the above subject in the Iranian Kurdistan community indicates that Kurds, in recent years have applied virtual networks as tools for development of identity particularism and in this prospect, development of virtual networks in these regions look to weaken the national identity and development of ethnic identity seeking.

Keywords: Virtual Space, National Identity, Ethnic Identity.